

بررسی رابطه میزان استفاده از تلگرام با شکاف نسلی

(مورد مطالعه: جوانان شهر تهران و والدین آن‌ها)

● نازنین همتیان^۱، سمیه تاجیک اسماعیلی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام با شکاف نسلی و نیز ارائه راهبردهایی در حوزه سیاستگذاری فرهنگی است. پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل تمامی جوانان ۲۸ تا ۳۲ ساله شهر تهران، که از شبکه اجتماعی اینستاگرام استفاده می‌کنند، به همراه والدین آن‌هاست. حجم نمونه با استفاده از روش کفایت نمونه ۵۵۶ نفر در نظر گرفته شد. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه است که روایی آن، به شیوه روایی صوری، و پایایی آن، با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، برای تمامی متغیرها بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ محاسبه شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که میان استفاده از تلگرام با اهمیت دین، هم‌نواپی با ارزش‌های مردسالارانه، پذیرش گروه‌های مرجع سنتی، تغییر معیارهای داوری اخلاقی، سودجویی، و شهروندی جهانی دانستن خود رابطه وجود دارد. قوی‌ترین رابطه استفاده از تلگرام با هم‌نواپی با ارزش‌های مردسالارانه (۲=۰/۲۴)، و بعد از آن، با اهمیت دین (۲=۰/۲۰) است. استفاده از تلگرام با اهمیت خانواده، گرایش به ارزش‌های دنیوی/معنوی، عرفی شدن نهادی/فرامادی، مشارکت در فعالیت‌های مدنی، و شهروندی محلی دانستن خود رابطه‌ای ندارد (۰/۰۵ > p).

واژگان کلیدی

شکاف نسلی، تلگرام، جوانان، والدین، شهر تهران.

مقدمه

رسانه‌های اجتماعی از قبیل تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و... امروزه به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بسیاری از مردم علی‌الخصوص قشر جوان تبدیل شده‌اند و به دلیل سهولت دسترسی به آن‌ها، کاربران بسیار زیادی را به خود جذب کرده‌اند. مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین پیامد استفاده از اینترنت به وجود آمدن تغییرات در سبک زندگی است، پس به جرئت می‌توان گفت که اینترنت قدرتمندترین و فراگیرترین عامل ایجاد فرهنگ تأثیرگذار در جامعه است که اگر به درستی این موقعیت مدیریت شود، می‌توان با جهت‌دهی صحیح از تنوع سبک‌های زندگی، اطلاعات و خدمات شبکه‌های مجازی استفاده کرد و با آموزش رسانه‌ای به والدین و جوانان گزند ناشی از شبکه‌های مجازی را به حداقل ممکن رساند. اما این مهم منوط به شناسایی میزان و ابعاد این تأثیرات است. عصر دوم رسانه‌ها، که از دیدگاه نظریه‌پردازان با ظهور و شکل‌گیری نوع جدیدی از جامعه همراه شده است، از طریق ادغام فناوری‌های جدید ارتباطی ماهواره‌ای با رایانه، تلویزیون و تلفن ظاهر شده است. در اثر چنین ادغامی، جانشین‌های تازه‌ای برای سیستم قبلی، که محدودیت‌های فنی جدی‌ای داشت، به وجود آمده‌اند و این احتمال بسیار قوت می‌گیرد که نظامی مشترک از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان به وجود آید.

شکاف نسل‌ها جامعه را از تکاپو و اشتیاق نسل‌های جوان و تازه‌نفس محروم می‌کند و عرصه را بر خلاقیت و نوآوری تنگ می‌کند، جامعه را از تبدیل شدن به یک پیکر واحد بازمی‌دارد، انسجام سازنده آن را برهم می‌زند، تجارب پرسابقه و مهارت‌های ارزشمند رفتاری و عملکردی نسل‌های زنجیروار را عقیم می‌گذارد و راه‌های پیشرفت را مسدود می‌کند.

گسترش شهرنشینی و پیشرفت با سرعت بالای فناوری به خصوص در زمینه ارتباطات باعث شده نسل جدید در دنیایی بسیار متفاوت‌تر با دنیای والدین خود زندگی کند، که این موضوع سبب می‌شود فرهنگ‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و... برای نسل جوان تغییر کند، و این تفاوت در درونی کردن ارزش‌ها و ضعف در انتقال فرهنگ موجب بروز پدیده شکاف نسلی می‌شود. شکاف نسلی بین والدین به عنوان نسل دیروز و فرزندان به مثابه نسل امروز یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در حوزه آسیب‌شناسی خانواده وجود دارد. به عبارت دیگر، ساختار روابط میان والدین و فرزندان در خانواده هسته‌ای مدرن دستخوش دگرگونی بنیادین شده است. در خانواده معاصر، به دلایل مختلفی چون افزایش فردگرایی، اهمیت یافتن حقوق فردی، کاهش اقتدار والدین به ویژه پدر، و افزایش سریع و وسیع ارتباطات اجتماعی فرزندان فاصله بیشتری با والدین پیدا کرده‌اند (زمانیان، ۱۳۸۷: ۸۱).

شبکه‌های مجازی از این قبیل کارکردهای فراوانی دارند، از جمله: کارکرد خبری، کارکرد

آموزشی، کارکرد تجاری، کارکرد سیاسی، کارکرد فرهنگی و... نسل جوان امروز نسبت به نسل گذشته با سرعت بیشتری از والدین خود رشد می‌کند. برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی اینترنت، باید در جهت آگاه‌سازی خانواده‌ها تلاش کرد (امیدوار و صارمی، ۱۳۸۱: ۴۲).

اینترنت به مثابه یک تیغ دولبه است که با آموزش صحیح و فرهنگ‌سازی می‌توان استفاده‌های فراوانی از آن کرد. در غیر این صورت، با استفاده نامناسب، آموزش غیراصولی و نبود فرهنگ کاربری هویت اجتماعی و فردی انسان به وسیله آن از بین می‌رود (احمدی و احیایی، ۱۳۹۲: ۱۲).

والدین و یا افرادی از نسل‌های گذشته که کمتر درگیر فضای مجازی هستند وجود چنین برنامه‌هایی را عامل فاصله گرفتن خانواده‌ها از یکدیگر می‌دانند و به شدت به آن انتقاد دارند. جوانان نیز مدام به دنبال توجیه و ارائه توضیح درباره فواید فضای مجازی هستند و در نهایت اختلافاتی در این زمینه بین جوانان و نسل گذشته به وجود آمده است و به شکاف نسلی دامن می‌زند.

بنابراین در شرایط کنونی که گرایش جوانان جامعه ما به شبکه‌های اجتماعی از قبیل تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و... رو به افزایش است، این استفاده‌های افراطی از یک سو بعضاً به وابستگی و اعتیاد به این دست شبکه‌های اجتماعی منجر شده و از سوی دیگر، عدم همگامی والدین در این زمینه باعث به وجود آمدن شکاف نسلی می‌شود. به تعویق انداختن پژوهش‌هایی در این حوزه می‌تواند اثرات زیان‌باری بر خانواده‌ها و سپس در حوزه‌های دیگر اجتماع از جمله آموزش و پرورش، بازار کار و... بر جای بگذارد.

از آنجایی که جامعه ایران در حال گذر از سنت به مدرنیته است، نسل جوان امروزی می‌خواهد راه زندگی خود را خودش تعیین کند و به دلیل نداشتن برنامه‌ای درست که هم با روحیات خودش سازگار باشد و هم با ارزش‌های خانواده و جامعه، به دنبال سبک‌های زندگی افراد دیگر در شبکه‌های اجتماعی می‌رود. از سویی دیگر، محتوای باز و فضای آزاد در این‌گونه شبکه‌ها زمینه نگرانی خانواده و حتی حکومت را فراهم کرده، لذا پژوهش در این زمینه برای رسیدن به دیدگاه‌های مختلف و پیدا کردن راه حل بسیار ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش‌های زیادی در حوزه مطالعه و بررسی تأثیر یا رابطه بین رسانه‌ها و شکاف نسلی انجام شده، اما نوآوری پژوهش حاضر در این است که از میان وسایل ارتباطی و رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی و یکی از پرکاربردترین آن‌ها (تلگرام) را برای بررسی انتخاب کرده و تلاش می‌کند تا رابطه میان استفاده از این شبکه اجتماعی را با شکاف نسلی میان دو نسل (جوانان و والدین) بررسی و تحلیل کند، چرا که رسانه‌های نوین و به ویژه شبکه‌های اجتماعی با سرعت بیشتری گسترش پیدا کرده‌اند و به نظر می‌رسد تبعات و

آثار آن نیز با سرعت بیشتری گسترش می‌یابد. و از سوی دیگر، تلگرام، به علت کارکردها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زیاد، جوانان را بیش از هر قشر دیگری به خود جذب کرده و شناسایی رابطه میان این شبکه‌ها و شکاف نسلی می‌تواند ابعاد تازه‌ای از نقش و تأثیر این رسانه‌های نوین را در ابعاد مختلف زندگی کاربران، به‌ویژه شکاف نسلی آنان با والدینشان، نمایان کند. هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه نقش تلگرام در شکاف نسلی به منظور ارائه راهبردهایی در حوزه سیاستگذاری فرهنگی در حوزه استفاده از فضای مجازی است. بر این مبنا، مسئله و دغدغه اصلی پژوهش پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا استفاده از تلگرام در شکاف بین نسلی میان جوانان و والدین آن‌ها نقش دارد. و سؤال فرعی پژوهش این است که کدام راهبردها، برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها برای استفاده مطلوب از فضای مجازی به منظور کاهش شکاف نسلی میان والدین و جوانان قابل ارائه‌اند. از این رو، پژوهش حاضر به منظور مطالعه نقش تلگرام در شکاف بین نسلی در میان آن دسته از جوانان (۲۸ تا ۳۲ ساله) کاربر تلگرام که والدین آن‌ها از تلگرام استفاده نمی‌کنند طراحی و اجرا شده است. بر همین مبنا، فرضیه اصلی پژوهش عبارت است از: «بین استفاده از تلگرام با شکاف نسلی بین والدین و جوانان ارتباط معناداری وجود دارد».

پیشینه پژوهش

بوداگی (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی تطبیقی تأثیر تلگرام بر شکاف نسلی در بین خانواده‌های شمال و جنوب شهر تهران پرداخته است. این تحقیق قصد دارد ارتباط بین استفاده از تلگرام و شکاف نسلی را در خانواده‌های تهرانی مورد بررسی قرار دهد. به این منظور، تلگرام با ابعاد (محتوا و فرهنگ‌پذیری) و شکاف نسلی با ابعاد (ارزشی، رفتاری، ارتباطی و نگرشی) مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین تلگرام و ابعاد آن با شکاف نسلی تفاوت معناداری در بین خانواده‌های شمال و جنوب شهر تهران وجود ندارد.

رشیدی توت (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی بین دختران و مادران در شهر یاسوج پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان استفاده از شبکه‌های مجازی، تعداد اعضای خانواده، شدت پیوند دوستان با شکاف نسلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همبستگی میان میزان استفاده از تلویزیون داخلی و شکاف نسلی معکوس بود؛ بدین صورت که هرچه میزان استفاده از تلویزیون داخلی بیشتر باشد، شکاف نسلی کاهش پیدا می‌کند و برعکس. همچنین شکاف نسلی بر حسب وضعیت اشتغال مادر تفاوت معنی‌داری را نشان داد. در کل، تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای مستقل ۱۴/۵ درصد از تغییرات

شکاف نسلی بین دختران با مادرانشان را تبیین می‌کنند.

فلاح شجاعی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تأثیرات شبکه‌های مجازی تلگرام و وایبر بر شکاف نسلی بین دختران ۱۶ تا ۲۰ سال با والدین خود در منطقه رباط کریم» نشان می‌دهد که میان میزان استفاده از شبکه‌های مجازی و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد.

فرامرزیانی، هاشمی و فرهنگی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه بر ارزش‌های اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان و میان‌سالان ساکن در شهرهای پنج استان کشور)» نشان دادند که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی و میزان تفاوت‌های ارزشی بین نسلی رابطه وجود دارد. اما در بیشتر موارد این همگرایی مثبت نیست و به کاهش گرایش نسل‌های جوان و میان‌سالان به ارزش‌های اجتماعی جامعه ایرانی منجر شده است.

آزادی‌نژاد (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در شکاف نسلی بین فرزندان و والدین خانواده‌های تهرانی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش مستدل بر این است که «محتوای اینترنت» و «برقراری ارتباط در این فضای مجازی» بر ایجاد شکاف نسلی میان فرزندان و والدین در خانواده‌های تهرانی تأثیر دارند. اما دوست‌یابی به‌عنوان یکی از شقوق «فرهنگ‌پذیری» و همچنین بر خورداری آن‌ها از اینترنت تأثیری در شکاف میان این دو نسل ندارد. فرضیه‌های دیگر این تحقیق، که با ارزیابی و اندازه‌گیری شاخص‌ها و مؤلفه‌های پیش‌گفته در پی اثبات تأثیر اینترنت بر شکاف نسلی میان والدین و فرزندان در خانواده‌های تهرانی بودند، رد شدند و گواه آن هستند که اینترنت بر ایجاد این شکاف‌ها بی‌تأثیر است.

کریشن^۱ و همکارانش (۲۰۱۶) دریافته‌اند که وابستگی، تعلق، تعامل و نوآر بودن انتظارات پایه برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی با توجه به نوع هم‌گروه نسلی هستند. در واقع، درک نیازهای انگیزشی منحصر به فرد باعث می‌شود تا اختلاف میان گروه‌های نسلی به میزان قابل توجهی کاهش یابد.

کلارک^۲ (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی رسانه‌های دیجیتال و شکاف نسلی پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد گرچه رسانه‌های دیجیتال از لحاظ اقتصادی به‌صرفه هستند، ولی اختلاف بین نسل‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما آنچه مهم است این است که والدین و فرزندان می‌توانند بر روی این شکاف نسلی حاصل از

این نوع رسانه تأثیر بگذارند و آن را کنترل کنند. لانگ و همکارانش (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان «تأثیر اینترنت بر رشد خود هویتی جوانان» به تأثیرات اینترنت بر شکل‌گیری هویت فردی جوانان چینی می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان داد که کاربرد اینترنت نه تنها بر چهار بُعد از رشد هویت تأثیر می‌گذارد، بلکه شیوه‌های جدیدی از درک صورت‌بندی هویت نیز در میان آنان مشاهده می‌شود.

مروری بر سوابق تجربی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که پژوهشگران پیشین هر یک متناسب با محور و موضوع مورد مطالعه خود به بررسی جنبه‌های مختلف، آثار مثبت و منفی و تبعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تلگرام در حوزه‌ها و جنبه‌های مختلف زندگی کاربران پرداخته و همچنین عوامل مؤثر بر شکاف نسلی را به طور مستقل یا در ارتباط با متغیرها مورد بررسی قرار داده‌اند، اما هیچ‌یک از پژوهش‌ها به طور مستقیم به بررسی نقش استفاده از شبکه‌های اجتماعی به ویژه تلگرام در شکاف نسلی میان فرزندان با والدین آن‌ها مبادرت نورزیده‌اند؛ امر مهمی که پژوهش حاضر درصدد دستیابی به آن بوده است. از سوی دیگر، با توجه به ناهمخوانی نتایج برخی پیشینه‌های پژوهشی با یکدیگر، ضرورت انجام تحقیق در این زمینه همچنان وجود دارد.

مبانی نظری پژوهش

شبکه‌های اجتماعی گونه‌ای از رسانه‌هایی هستند که بعد از رسانه‌های جمعی ظهور یافته و امکان تعامل میان تولیدکننده پیام و دریافت‌کننده آن را فراهم می‌آورد، بدین معنا که در این رسانه‌ها مخاطب و یا گیرنده پیام منفعل نبوده و به تعامل بویا و فعالانه با پیام، فرستنده، فرایند ارسال و دریافت، و بستر ارائه پیام می‌پردازد و امکان ایجاد تغییرات در پیام ارسالی و بازنشر آن را دارد و به افراد دیگر پیامی ترکیب شده با اندیشه‌ها و آموزه‌های فکری خود را بازنشر می‌دهد. شبکه‌های اجتماعی به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار فراوانی از افراد دیگر، فارغ از محدودیت‌های زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، را می‌دهد. افراد با حضور در شبکه‌های اجتماعی از مزایای حضور در این اجتماع مجازی نظیر حمایت اطرافیان، اطلاعات، عواطف و احساسات برخوردار شده و اغلب جوانب زندگی واقعی خود را، که نیازمند حضور فیزیکی افراد در کنار یکدیگر نیست، در این اجتماعات مجازی تجربه می‌کنند (اکبری تبار و هزار جریبی، ۱۳۹۲: ۱۰). «شبکه مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به هم پیوسته است. نقطه اتصال یا گره نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند. اینکه نقطه اتصال چه چیزی است مشخصاً به نوع شبکه‌های مورد نظر بستگی دارد» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۴۴).

تلگرام یک سرویس پیام‌رسان متن‌باز چندسکویی مبتنی بر رایانش ابری است. کاربران تلگرام می‌توانند پیام‌ها، تصاویر، ویدئوها و اسناد (همه انواع پرونده‌ها پشتیبانی می‌شود) خود را با دیگران و رمزنگاری شده تبادل کنند. تلگرام رسماً برای اندروید، ویندوز فون و آی‌اواس (از جمله تبلت‌ها و دستگاه‌های بدون وای-فای) در دسترس است (وبسایت متافوریو، ۱۳۹۷: ۴۳).

در پژوهش حاضر، در حوزه تغییرات فرهنگی. اجتماعی که حاصل تحولات فناورانه هستند، از آرای مانوئل کاستلز بهره برده‌ایم.

در سه دهه اخیر، مانوئل کاستلز مطالعات گسترده‌ای در زمینه ارتباطات داشته و نظریه‌های مشخصی در فضای اطلاعات و ارتباطات ارائه کرده است، مفاهیمی چون فضای جریان‌ها، هویت شبکه‌ای، جامعه شبکه‌ای و...، اما در کتاب خود به‌طور ویژه به مضمون «قدرت» و طبیعت ساختار قدرت در محیط ارتباطی جدید می‌پردازد. او در این کتاب نگاهی سیستمی و کل‌نگر به مفهوم قدرت دارد و گستره وسیعی از عوامل شامل تجارت، علوم عصب‌شناختی، رسانه، فناوری و مهم‌تر از همه سیاست را مطالعه می‌کند و تأثیر هر یک از این عوامل را در ساخت مفهوم قدرت بررسی می‌کند. مطالعات نمونه‌ای او در این کتاب شامل مقررات جهانی رسانه، جنبش‌های زیست‌محیطی، نقش اینترنت در مبارزات انتخاباتی اوپاما و کنترل و سانسور رسانه‌ها در روسیه و چین می‌شود (جوادی‌نیا، عرفانیان، عابدینی و بیجاری، ۱۳۹۱: ۶۰۰).

او پیش‌تر در کتاب عصر اطلاعات تأکید داشت که به واسطه شبکه‌ها ما ساختاری پویا و مملو از فرصت‌ها در اختیار داریم که توسط هیچ‌کس کنترل نمی‌شود، اما در این کتاب به روشنی می‌گوید که «منطق شبکه‌ها» می‌تواند تغییر کند. او این مضمون را در چند مطالعه نمونه‌ای از سراسر جهان دنبال می‌کند و توجهی عمیق‌تر به جنبش‌های اجتماعی در شبکه‌های مجازی دارد. کاستلز در کتاب چهار وجه از قدرت را در شبکه‌ها متمایز می‌کند:

1. Networking Power: قدرتی که هر کس و هر چیزی را در شبکه‌ها دربرمی‌گیرد. به استناد این قدرت، او به مضمون «توده خودارتباط» می‌رسد که مهم‌ترین مضمون کتاب است.
2. Network Power: این قدرت ناشی از پروتکل‌های ارتباطی شبکه‌هاست. ارتباطات باید بر استانداردهای مندرج در ساختار و مدیریت شبکه‌ها مبتنی باشد.

3. Networked Power: بیانگر قدرت گروه‌های خاص نسبت به گروه‌های دیگر در فضای شبکه‌ای است. این قدرت مشابه مدیریت و تصمیم‌گیری سازمانی است که در شبکه‌ها اعمال می‌شود.

4. Network-Making Power: ظرفیت راه‌اندازی و برنامه‌ریزی یک شبکه توسط مالکان آن‌ها یا کسانی که بر شبکه کنترل دارند، مانند شرکت‌های رسانه‌ای یا دولت‌ها. از نظر کاستلز، این شکل از قدرت مهم‌ترین شکل قدرت است و بیش از همه در کتاب مورد تحلیل قرار گرفته است (پاستر، ۱۳۷۷: ۵۵).

کاستلز معتقد است تا پیش از انقلاب اطلاعات، ساختار شبکه‌ها محدود بود و نهادهای اجتماعی بروز عمودی و اقتدارگرایانه داشتند، اما فناوری اطلاعات و ارتباطات به شکل‌گیری ساختار نامحدود و شبکه‌ای منجر شد. نتیجه این تحول شگرف کاهش شکل‌گیری ساختارهای عمودی - مانند نهادهای دولتی و مذهبی - و حرکت به سوی ساختارهای افقی و مشارکتی بود. خواندن این کتاب برای همه کسانی که بخواهند ویژگی‌ها و نیروهای شکل‌دهنده جهان آینده را بشناسند مفید خواهد بود.

در جامعه شبکه‌ای جدید، که شامل شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌ها می‌شود (توده خودارتباط)، سیاست‌ها اساساً سیاست‌های رسانه‌ای‌اند. این واقعیت در کنار بحران مشروعیت سیاسی قرار می‌گیرد که چالشی در مفهوم مردم‌سالاری در بیشتر کشورهای جهان است. کاستلز در این کتاب یک نظریه ارتباطاتی عمومی از قدرت ارائه می‌کند. او برای این نظریه رویکرد روش‌شناختی روشنی دارد و مثال‌های متعدد و ملموسی ارائه می‌کند. هرچند در نهایت متذکر می‌شود: «من نمی‌توانم هویت بازیگران اجتماعی حقیقی را که جهت‌دهنده قدرت هستند تشخیص دهم». به‌طور کلی مطالعات کاستلز درکی عمیق‌تر و دقیق‌تر از تأثیر شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در تغییر ساختار و روابط قدرت به دست می‌دهد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۷۲).

گیدنز نسل‌ها را مثل همه سنت‌های اجتماعی که در طول زمان به وجود می‌آیند در نظر می‌گیرد. از نظر او، تمایز بین نسل‌ها در واقع نوعی به شمار آوردن افراد در جامعه‌ای ماقبل مدرن است؛ یعنی هر نسلی در واقع نوعی به شمار آوردن تیره‌ای از آدمیان است که زندگی فردی را در مقطعی از انتقال‌های گروهی جای می‌دهد. بالین حال، در عصر جدید، مفهوم نسل رفته‌رفته فقط در برابر پس‌زمینه‌ای از زمان استاندارد شده معنا می‌یابد (آزادی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۲).

به نظر می‌رسد از دیدگاه گیدنز، تلقی از نسل در جوامع سنتی و مدرن نیز متفاوت است. در جوامع سنتی، هر نسل به میزان زیادی شیوه‌های زندگی گذشتگان خود را از نو کشف می‌کند و با بازسازی و نوسازی آن، به شکل و شیوه‌ای جدید به آن عمل می‌کند، اما در عصر جدید این کار مفهوم خود را از دست داده است.

در نظریه گیدنز، درباره نسل، سه عنصر اساسی لحاظ شده است: اول اینکه او به عنصر

زمان توجه خاصی دارد؛ دوم اینکه او جامعه را بسیار فزّار می‌داند، به طوری که سنت‌های جامعه امکان در پیش گرفتن سنت‌های گذشته را نمی‌دهد؛ سوم اینکه او همواره بررهایی از گذشته برای انتخاب شیوه‌های فعالانه‌تر و مدرن‌تر تأکید دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، در برخی کارکردهای خانواده تغییرات اساسی رخ داده، یا برخی کارکردها به نهادهای دیگر انتقال یافته‌اند. «هم‌زمان با صنعتی شدن روزافزون جوامع در طی دو قرن اخیر، تغییرات جهانی عمده‌ای در الگوهای خانواده به وقوع پیوست؛ تغییراتی که موجب دگرگونی عمیق در تعهد و علاقه مردم به هم شده است. امروزه مردم توجه کمتری به مسئولیت خود در قبال خانواده گسترده و توجه بیشتری به نیازهای خود و اعضای خانواده (خانواده هسته‌ای) نشان می‌دهند» (آزادی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۲). به طور خلاصه می‌توان گفت، خانواده هسته‌ای به این دلایل با ویژگی‌های نوین زندگی همراه‌تر است:

- تحرک جغرافیایی؛

- تحرک اجتماعی؛

- کاهش کارکردهای خانواده؛

- مزایای خانواده کوچک (به لحاظ تعداد افراد)؛

- فردگرایی.

تمامی این عوامل هم بر نهاد خانواده و هم بر ارتباط و تعامل یا شکاف نسلی مؤثرند. فاصله جغرافیایی میان افراد و درون یک شبکه خانوادگی گسترده، تحرکات شغلی و اجتماعی و تغییرات پایگاه و نقش اجتماعی، تغییرات کارکردی خانواده و تبادل این کارکردها با نهادهای دیگر، تأکید بر زندگی آسان و چابک و پردرآمد فردی یا هسته‌ای، و فردگرایی برخاسته از این نوع زندگی از دلایل اثرگذاری تغییر کارکرد خانواده بر شکاف نسلی است. در اینجا نقش رسانه‌های جمعی برای جلوگیری از تغییر کارکردهای خانواده از سویی، و تلاش برای آشنایی مسئولان و مردم با مسائل مربوط به تغییر کارکردها و به دنبال آن، تشدید شکاف نسلی، از سوی دیگر، دارای اهمیت است (آزادی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۳).

بورديو اندیشمند مدنظر ما در باب شکاف نسلی معتقد است که شکاف افقی بوده و در قسمت‌های مختلف اجتماع باعث مقابله نسل جدید و قدیم می‌شود؛ او نسل‌ها را ساختار اجتماع می‌بیند که در نتیجه نزاع یادشده ایجاد می‌شوند، او بر توزیع امکانات و منابع و موقعیت نابرابر نسل‌های مختلف از نظر برخورداری یا محرومیت از امکانات و فرصت‌های موجود اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، فرهنگی در عرصه‌های مختلف در ریشه‌یابی شکاف نسلی تأکید دارد. رهیافت مدنظر وی، تضاد ساختاری، منشأ اصلی منازعات نسلی، توزیع نامتوازن منابع قدرت و ثروت و سرمایه‌های در اختیار نسل‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی

است. او محور اصلی را تضاد منافع مادی گروه‌های مختلف نسلی که در جامعه همزیستی مکانی و زمانی دارند می‌داند که موجب مسائل نسلی‌ها و شکاف‌های ایدئولوژیک و فرهنگی بین آن‌ها می‌شود. نظریات بورديو در سطح کلان مارکسیستی و رویکرد تضاد قرار دارد و چالش نسلی‌ها را ناشی از نظام‌های سلطه و نابرابری در عرصه‌های مختلف می‌داند. وی شکاف نسلی در دنیای معاصر را افقی می‌داند. در این چشم‌انداز، نقطه عزیمت در تحلیل تعارضات نسلی ساخت اجتماعی عینی بوده و با محور قرار دادن تضاد منافع مادی گروه‌های مختلف نسلی، که در جامعه همزیستی زمانی و مکانی دارند، مسائل نسلی‌ها و شکاف‌های ایدئولوژیک و فرهنگی بین آن‌ها ناشی از تضاد زیربنایی یادشده و در تناظر با موقعیت و منافع اجتماعی نسلی در نظر گرفته می‌شود. بورديو، به جای تبیین شکاف نسلی‌ها با معیارهای ذهنی و بر حسب تأثیر جریان‌ها و حوادث عمده تاریخی، بر روی ذهنیت و آگاهی هویت ویژه نسلی که بر رهیافت مانهایمی مسلط است با رویکرد عینی به تبیین تعارضات نسلی بر حسب جایگاه استراتژیک هر نسل در خصوص مجموعه منابع و نبرد نسلی‌ها برای استفاده انحصاری از منابع مذکور می‌پردازد. وی مسائل نسلی‌ها را در چارچوب طبقات و نظام‌های آموزشی بررسی می‌کند و با توجه به مطالعات خود به نتایج ارزشمندی دست پیدا می‌کند. تبعات این بازتولید امتیازات طبقاتی در نظام آموزشی دموکراتیزه شده را این‌گونه می‌داند:

۱. آموزش، آگاهی، نظام مطالبات و شکاف نسلی در امکانات؛

۲. موقعیت اجتماعی بنیان تعارضات نسلی؛

۳. منافع نسلی و تنش‌های بین‌نسلی؛

۴. تضاد منافع نسلی و تحول اجتماعی (بوداگی، ۱۳۹۷: ۳۶).

اغلب نظریه‌هایی که در حوزه تضاد نسلی حاصل از شکاف نسلی مطرح شده‌اند پدیده شکاف نسلی را در بستر تغییرات، تحولات و دگرگونی‌های فرهنگی-اجتماعی حاصل از گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن تحلیل می‌کنند. از این منظر، تحولات فکری و رفتاری حاصل از مدرن شدن جامعه به استقلال طلبی و فردگرایی جوانان، کاهش مشروعیت گروه‌های مرجع، تغییر معیارهای داوری اخلاقی، تفاوت اهمیت دین و خانواده و... منجر می‌شوند. تغییرات حاصل از این وضعیت به شکل‌گیری نسلی جدید، متفاوت و مستقل از نسل‌های قبل منجر می‌شود. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که پدیده شکاف نسلی را در بستر تغییرات اجتماعی فرهنگی حاصل از گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن تبیین می‌کند کارل مانهایم است که در ادامه به شرح دیدگاه نظری مانهایم در حوزه شکاف نسلی می‌پردازیم و چارچوب نظری پژوهش حاضر را در این حوزه تبیین می‌کنیم.

کارل مانهایم^۱، جامعه‌شناس شهیر آلمانی، در مقاله «مسئله نسل‌ها» (۱۹۲۳) کوشید برداشتی نوین از مفهوم نسل در نظریه جامعه‌شناختی ارائه دهد. او برای اولین بار پدیده شکاف فرهنگی و تغییر فرهنگ طی نسل‌ها را به‌عنوان موضوعی جامعه‌شناختی مطرح کرد. مفروضات نظری اساسی مانهایم، مبنی بر اینکه تجارب دوره زندگی به‌ویژه دوره اصلی جامعه‌پذیری (نوجوانی و اوایل جوانی) آن نسل بر گرایش‌های ذهنی یک نسل در طول حیات آن‌ها تأثیری قاطع دارد، چارچوب مفهومی قدرتمندی برای پیش‌بینی گرایش‌های فرهنگی نسل‌ها فراهم می‌کند. بر این اساس، تجارب منحصربه‌فرد نسلی و هویت‌های برآمده از آن در هر جامعه گرایش‌های فرهنگی هر نسل را شکل می‌دهد.

درواقع، این مانهایم است که برای نخستین بار تأکید می‌کند که «نسل» یک موجودیت اجتماعی و نه یک ضرورت زیستی است. از این رو، وی در این مقاله پیدایش نسل اجتماعی را با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط می‌داند و معتقد است جایی که حوادث تازه کمیاب و تغییر کند است، اساساً یک نسل مجزا ظاهر نمی‌شود، بلکه فقط هنگامی که در جایی چنین حوادثی زیاد و سریع رخ می‌دهند، به طوری که یک گروه نسلی بر حسب آگاهی تاریخی اجتماعی خود متمایز می‌شود، از یک نسل حقیقی می‌توان صحبت کرد.

از نظر مانهایم، نسل محور ظهور و محمل انتقال و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی-تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده است ریشه دارد. این جهت‌گیری‌ها به‌صورت اهداف، نیات و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به‌صورت تکامل و ظهور یک «سبک نسلی» ظاهر می‌شوند (مانهایم، ۱۹۲۳: ۳۰۹).

مانهایم و اغلب نویسندگان هوادار وی فرض کرده‌اند که اواخر نوجوانی و اوایل جوانی درواقع «سال‌های شکل‌گیری» اصلی هستند که طی آن، دیدگاه‌های فردی مجزا و متمایز درباره سیاست و جامعه در سطح وسیعی شکل می‌گیرد. به اعتقاد مانهایم، تنها در این نقطه از چرخه حیات است که برخوردی «زنده و نو» با جهان اجتماعی سیاسی به وجود می‌آید که در طول تاریخ بعدی زندگی فرد به‌ندرت تکرار خواهد شد.

بدین ترتیب در فرمول‌بندی‌های مانهایم از نسل‌های تاریخی، درواقع عوامل منش جمعی، حوادث چرخه حیات و وقایع اجتماعی-تاریخی به هم می‌پیوندند. در این رویکرد، شکل‌گیری نسل اجتماعی صرفاً نتیجه مشابهت افراد در تاریخ تولد نبوده، بلکه به تعبیر سی رایت میلز (۱۹۵۹)، ایده مانهایمی نسل تاریخی باید بر حسب تقاطع بیوگرافی و تاریخ-یا تعامل حوادث چرخه حیات فردی با شرایط و حوادث حیات اجتماعی و تاریخی-درک شود.

به اعتقاد شارحان، مفهوم و نظریه نسل تاریخی مانهایم حاوی چند فرض یا پایه

اساسی به شرح ذیل است:

- وقایع و تغییرات مهم اجتماعی. تاریخی در سطح کلان (تاریخ مشترک نسل)؛
- تجربه حوادث مذکور به طور مشترک توسط گروهی تقریباً هم سن و سال در حدود ۲۵ - ۱۷ سالگی آنان (تجارب اجتماعی مشترک نسل)؛
- تشکیل آگاهی یا ذهنیت مشترک که در واقع نوعی معرفت، ادراک یا دیدگاه مشترک در بین مجموعه‌ای از افراد است که با چنین وقایعی در مرحله خاصی از رشد و کمال خود مواجه می‌شوند (دیدگاه و ایدئولوژی متمایز نسل)؛
- تأثیر ایدئولوژی و ذهنیت (آگاهی) نسلی برآمده از تجارب یادشده بر روی گرایش‌ها و رفتارهای نسل و تفسیر حوادث بعدی بر اساس دیدگاه ویژه نسلی؛
- پایداری نسبی تأثیر تجارب نسلی در طول حیات اعضای نسل و حضور مسلط آن در حافظه جمعی نسل (تداوم درون نسلی).

- تمایز نسل جامعه‌شناختی. با شاخصه‌های یادشده. از نسل‌های بیولوژیک و جمعیت‌شناختی، که اولی فاقد بُعد اجتماعی. تاریخی و دومی با وجود تجارب مشابه جمعی (مثل تاریخ تولد، زمان فارغ‌التحصیلی یا ازدواج یا بچه‌دار شدن و...) فاقد آگاهی یا ایدئولوژی متمایز و ویژه نسل است که در نگاه مانهایم اهمیت بسزا دارد.

بر پایه مفروضات نظری مانهایم، نسل، که در جریان کنش و تجربه تاریخی مشترک شکل می‌گیرد و از رهگذر آگاهی و حافظه جمعی تداوم می‌یابد، منبع خاصی برای هویت ارزشی افراد است. در این رویکرد، نسل به عنوان جمعی مطرح است که با آگاهی خاص از مقولاتی همچون رفاه، عدالت، ناامنی، استثمار و... پیوند خورده است و در ذهنیت عموم افراد آن، مفهومی آرمانی از مقولات مذکور وجود دارد و بر این اساس، از آمادگی ذهنی و رفتاری خاص که غالباً متفاوت با نسل‌های قبلی است برخوردار است. به همین دلیل، مانهایم در مقاله «نسل‌ها» توصیف می‌کند که چگونه افراد واقع شده در یک نسل در واقع زیر چتر ایدئولوژیک و آرمانی خاصی قرار می‌گیرند و از این منظر، دنیا را به شیوه‌ای متفاوت از همتایانشان در نسل‌های قبل تفسیر می‌کنند، تا آنجا که همین تجارب و آگاهی‌های منحصر به فرد و مشترک مربوط به یک نسل است که راه تغییر اجتماعی را باز می‌کند.

مانهایم معتقد است، علی‌رغم سنتز ارزش‌های قدیم و جدید در هر دوره، نوآوری‌های ارزشی و فرهنگی و تولید سبک‌های زندگی نو اساساً کارکرد نسل‌های نوظهور تاریخی است که معمولاً نسل‌های دیگر را، که به سبک‌های معمول و جاری اندیشه و عمل عادت کرده و ذهنیات و انتظاراتی متفاوت با آن‌ها دارند، آشفته، بدبین و وحشت‌زده می‌کند و موجب تعارضات جدی نسلی می‌شود، به طوری که سیستم آموزشی جدیدی لازم می‌آید که اینان

(نسل‌های قبل) را طوری تربیت مجدد کند که خود را در برابر تغییرات فرهنگی تازه نیازمند و بتوانند با آن کنار بیایند (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۱).

به‌طورکلی، برای انجام این پژوهش از چارچوب نظری مانهایم در حوزه شکاف نسلی و نظریه کاستلز در حوزه شبکه‌های اجتماعی بهره گرفته شده است. به عبارت دیگر، دغدغه اصلی و مرکزی مقاله حاضر بررسی رابطه میان استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام با شکاف نسلی میان جوانان و والدینشان بوده است. بر اساس پژوهش‌های نظری صورت‌گرفته درباره فضای مجازی و تأثیرات آن، فرض اساسی این است که این فضا در تمام جنبه‌های زندگی انسان نقش و تأثیر داشته است. به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلگرام که به علت جذابیت و کاربرد گسترده خود مخاطبان زیادی را به خود جذب کرده‌اند. علاوه بر آن، نظریه‌های موجود درباره عوامل مؤثر بر شکاف نسلی حاکی از آن هستند که عوامل مختلف که در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی اثرگذارند به شکاف نسلی منجر شده‌اند، از جمله می‌توان به نقش وسایل ارتباطی نوین و شبکه‌های اجتماعی در این زمینه اشاره کرد. سهل‌الوصول بودن، دسترسی آسان به اطلاعات، امکان برقراری سریع ارتباط و... به کاربران این امکان را می‌دهد که با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه تلگرام، اغلب فعالیت‌های خود را پیگیری کنند. بنا بر آنچه بر مبنای مرور ادبیات نظری درباره مسئله اصلی پژوهش بیان شد، پژوهشگر فرضیه‌ای کلی مبنی بر وجود رابطه میان استفاده از تلگرام با شکاف نسلی میان جوانان با والدینشان بیان کرده است.

لزوم برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی در زمینه استفاده از رسانه‌های نوین

در کنار رسانه‌های کلاسیک و متعارف، رسانه‌های اجتماعی جدید در فضای مجازی حضور بسیار جدی و پررنگی در زندگی شهروندان ایرانی دارند و روزبه‌روز بر حوزه تأثیرگذاری آن‌ها افزوده می‌شود (مطلبی؛ کاظمی و امجدی، ۱۳۹۶: ۷۹). رسانه‌های مجازی جدید در دوران کنونی بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم شده‌اند. نسل کنونی جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کند. به عبارتی، در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه‌پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود و نفوذ و تأثیر رسانه‌ها تا جایی است که برخی نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری افراد را تعیین می‌کنند و اگر چگونه فکر کردن را به آن‌ها یاد ندهند، اینکه به چه چیزی فکر

کنند را به آن‌ها می‌آموزند (مطلبی؛ کاظمی و امجدی، ۱۳۹۶: ۸۰). رسانه‌های نوین به دلیل جذابیت، سهل‌الوصول بودن، فرازمانی و فرامکانی بودن و... خیلی سریع در میان کاربران جا باز کرده و استفاده از این رسانه‌ها و فضای مجازی در صورت عدم استفاده صحیح آسیب‌زاست. عمده‌ترین آسیب‌هایی که در فضای مجازی تحت تأثیر گسترش فضای مجازی پدیدار شده‌اند عبارت‌اند از: پرخاشگری و خشونت، بی‌وفایی اینترنتی، قماربازی اینترنتی، اعتیاد اینترنتی، دوستی‌های اینترنتی و وب‌گردی (عاملی و حسنی، ۱۳۹۱: ۵). رشد فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، با آنکه بر اساس برخی ویژگی‌های بی‌مانند خود نویدبخش حیات بهتر با ویژگی‌هایی همچون توزیع عادلانه‌تر منابع، کم‌رنگ کردن مرزهای طبقاتی و جغرافیایی، برخورداری مادی و پیشینه خانوادگی بوده‌اند، اما در پی خود انواع جدیدی از ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها و جرایمی را امکان‌پذیر کرده‌اند که می‌توان از آن‌ها به «نامطلوبیت فناورانه» تعبیر کرد (عاملی و حسنی، ۱۳۹۱: ۲۵). اینترنت، به شکل امروزی آن، ابزاری برای یکپارچه کردن سبک زندگی بشری در سرتاسر جهان بدون توجه به اقتضائات و شرایط خاص فرهنگی کشورهاست. اثرات استفاده از اینترنت در دنیای کنونی به حدی است که اکنون با پدیده دوج جهانی شدن مواجه هستیم، یعنی جهان واقعی در تقابل با جهان مجازی قرار گرفته است و هر روز از رنگ و لعاب آن کاسته می‌شود، به نحوی که بسیاری از فعالیت‌های روزمره زندگی ما بدون وجود فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی با مشکل جدی مواجه خواهد شد. بدیهی است عملکرد اینترنت در توسعه یک کشور بر کیفیت چارچوب سیاست‌گذاری، تصمیمات اتخاذ شده و فرایندهایی مبتنی است که در تدوین هر تصمیم در سطح کلان و خرد این حوزه مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین، دولت‌ها می‌کوشند تا در زمینه اینترنت و فضای مجازی (به‌عنوان یک کالای عمومی) سیاست‌هایی را تدوین کنند که از تهدیدها جلوگیری کند و امکان بهره‌گیری از فرصت‌های این فناوری نوین ارتباطاتی را فراهم آورد. سیاست‌گذاری نقش بنیادی در حوزه رسانه‌های عمومی جامعه ایفا می‌کند و ساختار و فضای ارتباطی آن را شکل می‌دهد (حسن‌نژاد کاشانی و نصراللهی کاسمانی، ۱۳۹۶: ۲۸). در ایران تاکنون خط‌مشی کاملاً مشخصی برای مواجهه با آسیب‌های این فضا از سوی نهادهای مسئول دنبال نشده و اگر هم اقدامی صورت گرفته بیشتر سلبی، تقابلی و بازدارنده بوده است (عاملی و حسنی، ۱۳۹۱: ۱۲). از این رو، لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه استفاده از رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های نوین، بیش از هر زمانی احساس می‌شود. برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از: «هر کوششی برای ایجاد تغییراتی آگاهانه مطابق با الگوی ذهنی پیشین در زمینه باورها، عقاید، ارزش‌ها، احساسات و رفتارها که با خصوصیت نسبتاً پایدار از عقاید موردی متمایز

می‌شود» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۱۵؛ به نقل از صالحی امیری، ۱۳۹۰: ۹۰). درباره اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی در عرصه فرهنگ، بین همگان تقریباً توافقی وجود دارد، اگرچه در محتوا و شکل آن دیدگاه‌های متفاوتی را می‌توان مشاهده کرد. برنامه‌ریزی فرهنگی می‌تواند امکان به‌کارگیری دقیق‌تر مدیریت‌ها، سازمان‌ها و طراحی اقدام‌ها و فعالیت‌های فرهنگی متناسب با اهداف و اولویت‌ها را فراهم آورد (صالحی امیری، ۱۳۹۰: ۹۰). سیاستگذاری فرهنگی عبارت است از: «تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی یعنی همکاری‌های فرهنگی؛ مشارکت فرهنگی؛ میراث فرهنگی و هویت فرهنگی که یونسکو نخستین بار با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را مطرح نمود» (حسین‌لی، ۱۳۷۹: ۲؛ به نقل از مطلبی؛ کاظمی و امجدی، ۱۳۹۶: ۸۷). در ایران برنامه‌ها و سیاست‌های کلان را در هر دو دسته سیاست‌های سلبی (مسدودسازی دسترسی به وبگاه‌های آسیب‌زا) و ایجابی (طرح‌های توسعه محتوا) می‌توان رهگیری کرد. اما نکته اساسی در برنامه‌ریزی برای مواجهه با آسیب‌های فضای مجازی وزن دهی به سیاست‌های سلبی و ایجابی است. حضور پررنگ در فضای مجازی ضرورتاً نیازمند دسترس ناپذیر بودن فضاهای آسیب‌زا و محتواهای نامناسب و ارتباطات ناهنجار نیست. هرچند چنین برنامه‌ها و سیاست‌هایی نیز باید مورد توجه باشند و محدودیت‌هایی بر اساس ارزش‌های اسلامی - ایرانی صورت بگیرد، اما بی‌توجهی به وزن سیاست‌گذاری‌ها در حوزه آسیب‌شناسی به‌ویژه در فضای مجازی و بی‌توجهی به ویژگی‌های فضای مجازی دامنه اثرگذاری سیاست‌های سلبی را محدود و بی‌تأثیر می‌کند و موجب می‌شود آسیب‌ها در هیبتی جدیدتر هر آن خود را نمایان کنند و مسیرهای عبور از فیلترها مورد استفاده قرار گیرند. لذا تولید محتوای مفید و مؤثر و ایجاد انتخاب‌های ارزشمند و کیفی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی - ایرانی راهبرد مهمی است که می‌تواند مسیر جامعه را به سمت انتخاب‌های مفید و مؤثر حرکت دهد (عاملی و حسنی، ۱۳۹۱: ۲۵). بنابراین، در این پژوهش، پس از بررسی رابطه میان استفاده از تلگرام با شکاف نسلی میان جوانان شهر تهران با والدینشان برآنیم تا به ارائه راهبردهایی برای سیاستگذاری فرهنگی در حوزه استفاده از فضای مجازی بپردازیم.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است، و به روش توصیفی - پیمایشی و با استفاده از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه به انجام رسیده است. جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش شامل آن دسته از جوانان ۲۸ تا ۳۲ ساله شهر تهران است که از شبکه اجتماعی تلگرام استفاده می‌کنند ولی والدین آن‌ها از تلگرام استفاده نمی‌کنند. در پژوهش حاضر،

محققان، با انتخاب جوانانی که کاربر اینستاگرام هستند اما والدینشان از اینستاگرام استفاده نمی‌کنند، قصد بررسی مشکلات بین نسلی این جوانان با والدینشان را دارند و قصد تعمیم شکاف بین نسلی را به جوانانی که از تلگرام استفاده نمی‌کنند ندارند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. شهر تهران به ۵ بخش: شمال (مناطق ۱-۲-۳)، جنوب (مناطق ۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲)، شرق (مناطق ۱۳-۱۴-۱۵)، غرب (۲۱-۲۲-۵) و مرکز (۱۲-۶-۱۱-۱۰-۹) تقسیم شد. در ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین مناطق هرکدام از بخش‌های پنج‌گانه، ۳ منطقه انتخاب شدند. سپس اسامی محلات هر منطقه بر روی کاغذ نوشته شد و درون کیسه‌ای ریخته شد و از هر منطقه ۲ محله انتخاب شدند. در مرحله بعد اسامی محلات هرکدام از مناطق انتخاب شده بر روی کاغذ نوشته شد و در داخل کیسه ریخته شد و سپس در هر محله با استفاده از روش تصادفی ساده ۲ کوچه انتخاب شدند. از بین پلاک منازل موجود در هر کوچه نیز ۷ پلاک به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. به منظور حصول اطمینان از اینکه هر جوان پرسشنامه را به والدین خود نیز می‌دهد، پژوهشگر شخصاً به در منازل مراجعه کرده و پرسشنامه را بین آن‌ها توزیع و پس از تکمیل، جمع‌آوری کرده است. شایان ذکر است ۲۷۸ جوان و ۲۷۸ نفر از والدین (پدر یا مادر) به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ داده‌اند.

به منظور سنجش رابطه میان استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام با شکاف نسلی، از پرسشنامه استاندارد شده آزاد ارمکی (۱۳۸۳) استفاده شد. پرسشنامه مربوط به استفاده از تلگرام محقق ساخته است و ۱۲ گویه و ۸ گویه مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان در ابتدای آن درج شد.

با توجه به اینکه پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر استاندارد بود، روایی آن قبلاً به تأیید صاحب نظران رسیده بود. اما برای اطمینان، پرسشنامه به همراه عنوان، اهداف، سؤال‌ها و فرضیه‌ها برای جمعی از صاحب نظران در حوزه مربوطه ارسال و نظرات آنان جمع‌آوری شد. پرسشنامه استاندارد و پرسشنامه محقق ساخته درباره اینستاگرام به روش روایی صوری بررسی شدند و مورد تأیید تمامی استادان و صاحب نظران قرار گرفتند.

به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از مؤلفه‌های تحقیق از ۷۹ درصد تا ۹۴ درصد به دست آمد.

در این پژوهش، به منظور بررسی رابطه میان استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام با شکاف نسلی بین والدین و جوانان (بین ۲۸ تا ۳۲ سال) شهر تهران، استفاده از تلگرام به عنوان متغیر

مستقل و شکاف نسلی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلفه‌های متغیر شکاف نسلی نیز عبارت‌اند از: اهمیت خانواده، اهمیت دین، هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه، گرایش به ارزش‌های دنیوی، گرایش به ارزش‌های معنوی، پذیرش گروه‌های مرجع سنتی، تغییر معیارهای داوری اخلاقی، سودجویی، عرفی شدن نهادی، گرایش به ارزش‌های فرامادی، مشارکت در فعالیت‌های مدنی، شهروند جهانی دانستن خود، شهروند محلی دانستن خود.

یافته‌های پژوهش

سیمای پاسخگویان

۵۴ درصد پاسخگویان زن و ۴۶ درصد مرد هستند. ۵۵ درصد پاسخگویان متأهل و ۴۰ درصد مجرد هستند و در مجموع، ۵ درصد پاسخگویان بیوه یا مطلقه هستند. فراوانی میزان تحصیلات به صورت نزولی بدین صورت است: کاردانی و کارشناسی با ۴۰ درصد، کارشناسی ارشد با ۳۵ درصد، دیپلم و پایین‌تر با ۱۵ درصد و دکتری با ۱۰ درصد. بیشترین فراوانی با ۵۱ درصد مربوط به سن ۲۸ تا ۳۲ سال و کمترین فراوانی با ۳ درصد مربوط به سن ۴۳ تا ۵۳ سال است. شایان ذکر است که ۶ مورد بی‌پاسخی در سن افراد مشاهده شد. از مجموع افراد متأهل، بیوه و مطلقه، تعداد ۳۲۲ نفر یا ۵۸ درصد گفته‌اند که دارای فرزند هستند. بیشتر خانواده‌ها یعنی ۴۱ درصد تک‌فرزند هستند و بعد از آن، ۳۰ درصد خانواده‌ها دارای دو فرزند هستند، در مجموع ۷۱ درصد خانواده‌ها دارای یک یا دو فرزند هستند. ۱۶ درصد دارای سه فرزند هستند و ۱۳ درصد دارای چهار فرزند یا بیشتر هستند. میانگین استفاده از تلگرام ۷۱ دقیقه در روز است که نشان می‌دهد پاسخگویان حدود ۱ تا ۱/۳ ساعت در روز مشغول استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام هستند.

الف) یافته‌های توصیفی

توصیف متغیرهای اصلی

در جدول ذیل با استفاده از آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد، متغیرهای اصلی پژوهش توصیف شدند. دامنه میانگین نمره‌ها برای متغیر پذیرش گروه‌های مرجع سنتی از ۱ تا ۲ است، برای متغیرهای تغییر معیارهای داوری اخلاقی، عرفی شدن نهادی/فرامادی از ۱ تا ۱۰، برای متغیر مشارکت در فعالیت‌های مدنی از ۱ تا ۳ و برای سایر متغیرهای اصلی از ۱ تا ۵ (خیلی کم تا خیلی زیاد) است.

جدول ۱. توصیف متغیرهای اصلی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
استفاده از تلگرام	۲/۳۳	۰/۶۰
اهمیت خانواده	۴/۷۷	۰/۴۵
اهمیت دین	۲/۶۲	۱/۱۷
هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه	۲/۸۹	۰/۷۷
گرایش به ارزش‌های دنیوی/معنوی	۲/۸۶	۰/۵۱
پذیرش گروه‌های مرجع سنتی	۱/۱۲	۰/۲۶
تغییر معیارهای داوری اخلاقی	۴/۱۷	۲/۲۰
سودجویی	۴/۰۵	۰/۹۲
عرفی شدن نهادی/فرامادی	۸/۹۳	۱/۷۱
مشارکت در فعالیت‌های مدنی	۱/۳۶	۰/۲۸
شهروند جهانی دانستن خود	۳/۱۳	۱/۲۶
شهروند محلی دانستن خود	۳	۱/۱۱

بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین شهروند محلی و شهروند جهانی دانستن خود در کل مقدار متوسطی است. میزان مشارکت در فعالیت‌های مدنی با میانگین ۱/۳۶ مقدار پایینی است و نشان می‌دهد میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های مدنی مقداری پایین و ضعیف است. میانگین سودجویی برابر با ۴/۰۵ است که مقدار نسبتاً بالایی است. دامنه نمره‌های تغییر معیارهای داوری اخلاقی از ۱ تا ۱۰ است که میانگین ۴/۱۷ برای این متغیر نشان‌دهنده نمره کمتر از متوسط است. پذیرش گروه‌های مرجع سنتی مقدار پایینی است و میانگین این متغیر ۱/۱۲ است.

گرایش به ارزش‌های دنیوی/معنوی ۲/۸۶ است که با توجه به اینکه نمره بالاترین متغیر به معنای گرایش دنیوی بیشتر است، نتیجه می‌گیریم میزان ارزش‌های معنوی کمی از ارزش‌های دنیوی بیشتر است. نتایج نشان می‌دهد میزان هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه و اهمیت دین مقدار کمتر از متوسط است، اما اهمیت خانواده با میانگین ۴/۷۷ نمره بالایی دارد.

از آزمون آماری کولموگروف - اسمیرنوف و شاخص‌های کجی و کشیدگی جهت تعیین

وضعیت توزیع داده‌ها (نرمال بودن) استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردارند. سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تمامی متغیرهای پژوهش بیشتر از مقدار ۰/۰۵ به دست آمده است ($p > 0/05$) که نشان از نرمال بودن متغیرها دارد.

جدول ۲. مقادیر کجی و کشیدگی و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

جهت ارزیابی نرمال بودن متغیرهای اصلی

متغیر	معنی‌داری کولموگروف-اسمیرنوف	کجی	کشیدگی
استفاده از تلگرام	۰/۷۴۸	۰/۰۶۹	-۰/۶۶۳
اهمیت خانواده	۰/۱۷۵	۰/۷۹۲	۰/۴۷۴
اهمیت دین	۰/۲۹۷	۰/۳۶۴	-۰/۱۹۴
هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه	۰/۳۷۳	-۰/۰۱۰	-۰/۸۷۰
گرایش به ارزش‌های دنیوی/معنوی	۰/۱۱۹	-۰/۲۸۱	-۰/۷۵۸
پذیرش گروه‌های مرجع سنتی	۰/۳۴۶	۰/۱۲۶	-۰/۶۸۱
تغییر معیارهای داوری اخلاقی	۰/۰۸۷	-۰/۲۸۸	-۰/۸۸۱
سودجویی	۰/۶۶۶	-۰/۳۴۶	-۰/۴۵۰
عرفی شدن نهادی/فرامادی	۰/۵۹۹	-۰/۲۶۷	-۰/۶۷۴
مشارکت در فعالیت‌های مدنی	۰/۳۲۱	۰/۱۱۲	-۰/۱۸۰
شهروند جهانی دانستن خود	۰/۲۷۸	-۰/۱۴۵	۰/۱۹۸
شهروند محلی دانستن خود	۰/۶۸۵	-۰/۱۲۶	-۰/۰۹۶

ب) یافته‌های استنباطی

آزمون همبستگی بین استفاده از تلگرام و شکاف نسلی

با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون به بررسی رابطه میان استفاده از تلگرام با شاخص‌های شکاف نسلی پرداخته‌ایم. همچنین، چون آزمون نرمال بودن نشان از این داشت که توزیع متغیرها نرمال یا نزدیک به نرمال است، از آزمون همبستگی پارامتریک پیرسون استفاده شد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی پیرسون بین استفاده از تلگرام و شکاف نسلی

نتیجه	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	متغیرها
رد	۰/۳۴۴	۰/۴	اهمیت خانواده
تایید	< ۰/۰۰۱	۰/۲۰	اهمیت دین
تایید	< ۰/۰۰۱	۰/۲۴	هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه
رد	۰/۳۸۰	۰/۰۴	گرایش به ارزش‌های دنیوی / م‌ع‌نوی
تایید	< ۰/۰۰۱	۰/۱۶	پذیرش گروه‌های مرجع سنتی
تایید	۰/۰۳۷	۰/۰۹	تغییر معیارهای داوری اخلاقی
تایید	۰/۰۱۷	-۰/۱۰	سودجویی
رد	۰/۱۰۱	۰/۰۷	عرفی شدن نهادی / فرامادی
رد	۰/۸۰۱	۰/۰۱	مشارکت در فعالیت‌های مدنی
تایید	< ۰/۰۰۱	۰/۱۹	شهروند جهانی دانستن خود
رد	۰/۴۴۹	۰/۰۳	شهروند محلی دانستن خود

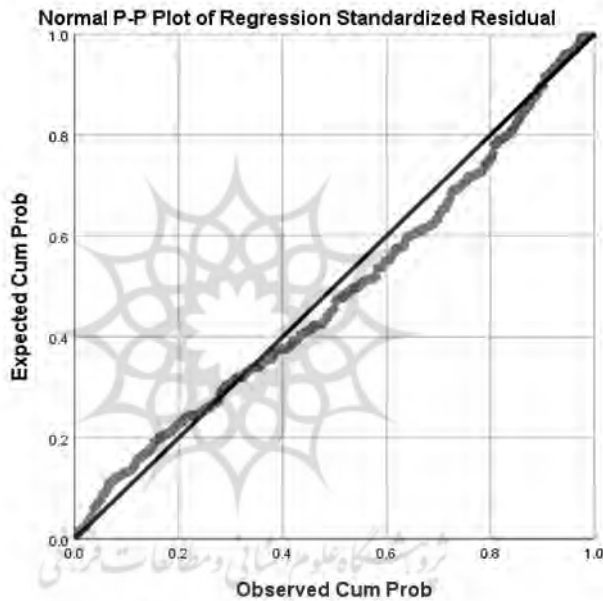
آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که استفاده از تلگرام با متغیرهای زیرارتباط معنی دار دارد ($p < ۰/۰۵$):

میان اهمیت دین، هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه، پذیرش گروه‌های مرجع سنتی، تغییر معیارهای داوری اخلاقی، سودجویی و شهروند جهانی دانستن خود با استفاده از تلگرام رابطه وجود دارد. قوی‌ترین رابطه میان استفاده از تلگرام با هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه ($r = ۰/۲۴$) و بعد از آن، با اهمیت دین ($r = ۰/۲۰$) وجود دارد. یافته‌ها نشان داد استفاده از تلگرام با اهمیت خانواده، گرایش به ارزش‌های دنیوی / معنوی، عرفی شدن نهادی / فرامادی، مشارکت در فعالیت‌های مدنی و شهروند محلی دانستن خود رابطه‌ای ندارد ($p > ۰/۰۵$).

آزمون رگرسیون. جهت پیش‌بینی میزان استفاده از تلگرام بر اساس شاخص‌های شکاف نسلی از آزمون رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. روش اجرای رگرسیون روش گام‌به‌گام^۱ است. ضریب تعیین یا R^2 مقدار واریانس متغیر وابسته را که توسط متغیرهای مستقل تبیین

1. Stepwise

شده است نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین به دست آمده برابر با $0/13$ است. ضریب تعیین به دست آمده بدین معناست که متغیرهای پیش‌بین مدل (شاخص‌های شکاف نسلی) توانسته‌اند حدود ۱۳ درصد از تغییرات میزان استفاده از تلگرام را تبیین کنند. جهت بررسی استقلال باقی‌مانده‌ها (نبود همبستگی سریالی بین باقی‌مانده‌ها یا خطاها) از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. مقدار این آزمون در تحقیق ما برابر با $2/04$ به دست آمده است که در بازه مورد قبول ($1/5$ تا $2/5$) قرار دارد و می‌توان گفت باقی‌مانده‌ها دارای استقلال نسبی هستند و همبستگی سریالی بین آنان وجود ندارد.



نمودار ۱. نمودار توزیع نرمال باقی‌مانده‌ها

نمودار ۱ نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها (مقادیر خطا) را می‌سنجد. نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها از پیش‌فرض‌های آزمون رگرسیون است. چنانچه تمامی نقاط بر روی خط قرار بگیرند و به آن نزدیک باشند نشانه نرمال بودن است. با توجه به نمودار ۱ می‌توانیم استنباط کنیم که باقی‌مانده‌ها از توزیع تقریباً نرمال برخوردارند و انحراف شدیدی از توزیع نرمال مشاهده نمی‌شود و پیش‌فرض نرمال بودن توزیع خطاها به طور نسبی تأیید می‌شود. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه (جدول ضرایب) در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. جدول ضرایب آزمون رگرسیون با هدف پیش بینی

شکاف نسلی براساس استفاده از تلگرام

متغیر	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	آماره تی	سطح معنی داری	شاخص های هم خطی	
						تورم واریانس	آماره تحمل
مقدار ثابت	۱/۱۰	۰/۲۰۵	-	۵/۳۸	<۰/۰۰۱	-	-
هم نوایی با ارزش های مردسالارانه	۰/۱۴۳	۰/۰۳۵	۰/۱۸۲	۴/۰۸	<۰/۰۰۱	۱/۲۱	۰/۸۲
شهروند جهانی دانستن خود	۰/۱۲۵	۰/۰۲۴	۰/۲۵۲	۵/۲۲	<۰/۰۰۱	۱/۴۱	۰/۷۱
اهمیت دین	۰/۱۰۰	۰/۰۲۴	۰/۱۹۲	۴/۲۰	<۰/۰۰۱	۱/۲۸	۰/۷۸
شهروند محلی دانستن خود	-۰/۰۸۸	۰/۰۲۷	-۰/۱۶۰	-۳/۳۴	۰/۰۰۱	۱/۳۹	۰/۷۲
عرفی شدن نهادی/فرامادی	۰/۰۴۸	۰/۰۱۶	۰/۱۲۸	۳/۰۲	۰/۰۰۳	۱/۰۹	۰/۹۲

توجه: $F=15/15$ و $p \leq 0/001$. $R^2=0/13$. $DW=2/04$

نوع رگرسیون از نوع گام به گام است، در نتیجه فقط متغیرهایی که اثر معنی داری بر شکاف نسلی دارند در مدل باقی ماندند. نتایج به دست آمده گویای این است که ۵ متغیر از مجموع ۱۱ متغیر در مدل رگرسیونی باقی مانده اند که نشان می دهد ۵ متغیر شکاف نسلی را می توان بر اساس میزان استفاده از تلگرام پیش بینی کرد ($p < 0/05$).

نتایج نشان می دهد که این ۵ متغیر عبارت اند از: هم نوایی با ارزش های مردسالارانه، شهروند جهانی دانستن خود، اهمیت دین، شهروند محلی دانستن خود، و عرفی شدن نهادی/فرامادی ($p < 0/05$). مقایسه ضرایب استاندارد شده رگرسیون نشان می دهد قوی ترین رابطه میان میزان استفاده از تلگرام و شکاف نسلی، شهروند جهانی دانستن خود و بعد از آن، اهمیت دین است که ضرایب استاندارد شده این دو متغیر پیش بین به ترتیب ۰/۲۵۲ و ۰/۱۹۲ هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه پژوهش: بین استفاده از تلگرام با شکاف نسلی بین والدین و جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.

میان اهمیت دین، هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه، پذیرش گروه‌های مرجع سنتی، تغییر معیارهای داوری اخلاقی، سودجویی و شهروند جهانی دانستن خود با استفاده از تلگرام رابطه وجود دارد. قوی‌ترین رابطه استفاده از تلگرام با هم‌نوایی با ارزش‌های مردسالارانه ($r=0/24$) و بعد از آن، با اهمیت دین ($r=0/20$) است. یافته‌ها نشان داد استفاده از تلگرام با اهمیت خانواده، گرایش به ارزش‌های دنیوی/معنوی، عرفی شدن نهادی/فرامادی، مشارکت در فعالیت‌های مدنی و شهروند محلی دانستن خود رابطه‌ای ندارد ($p>0/05$).

نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان از تأیید ارتباط استفاده از تلگرام با برخی مؤلفه‌های شکاف نسلی دارد. بر این اساس و به‌منظور مدیریت صحیح شکاف نسلی بین جوانان و والدین می‌باید به استفاده از شبکه‌های مجازی و به‌طور خاص تلگرام توجه کرد. به عبارتی، باید به مواردی چون همگرایی هرچه بیشتر گروه‌هایی که جوانان و والدین در آن عضو می‌شوند، عضویت والدین در گروه‌هایی که جوانان در آن عضو می‌شوند، عضویت والدین در گروه‌هایی که جوانان در آن عضو می‌شوند، اقوام و خانواده با تعداد اعضای بالا، استفاده از تلگرام برای شغل والدین و توجیه فواید این شبکه اجتماعی برای والدین، اطلاع‌رسانی‌های مفید برای جوانان و والدین در یک خانواده به‌وسیله این شبکه مجازی، مدیریت زمان استفاده از تلگرام در زمان فراغت و جمع خانواده در کنار یکدیگر و مصداق‌سازی از دنیای واقعی برای جوانان توسط والدین توجه خاص مبذول شود. همچنین می‌توان از تلگرام به‌عنوان ابزاری جهت پیشبرد ارزش والدین مانند ارزش‌های دینی و مذهبی استفاده کرد که این امر می‌تواند شکاف بین نسلی را کاهش دهد. همچنین علاوه بر تغییر در نگرش‌های سنتی و تعدیل دنیای مدرن جوانان و دنیای سنتی والدین می‌توان از برخی سودجویی‌های موجود در فضای مجازی که گاه ریشه‌های فرهنگی را نشانه گرفته‌اند جلوگیری کرد.

در تحقیق بوداگی (۱۳۹۷) یافته‌ها بر مبنای روش تی تست حاکی از آن است که بین تلگرام و ابعاد آن با شکاف نسلی تفاوت معناداری در بین خانواده‌های شمال و جنوب شهر تهران وجود ندارد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق، از نظر ارتباط استفاده از تلگرام با ابعاد شکاف نسلی همسوست.

فلاح شجاعی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تأثیرات شبکه‌های مجازی تلگرام و وایبر بر شکاف نسلی بین دختران ۱۶ تا ۲۰ سال با والدین خود در منطقه رباط کریم» ثابت می‌کند بین میزان استفاده از شبکه‌های مجازی و شکاف نسلی

رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه این تحقیق نیز به ارتباط استفاده از تلگرام و اینستاگرام به عنوان نوعی شبکه مجازی با شکاف نسلی پرداخته و این ارتباط نیز تأیید شده است، از این رو با تحقیق مذکور همسوست.

منجزی پور (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی (مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار ساله ۲۴-۱۸) شهر دزفول در سال ۱۳۹۳ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشانگر این است که شکاف نسلی (متغیر وابسته) با متغیرهای مدرنیزاسیون، افزایش فردگرایی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، وضعیت شغلی مادر، و میزان درآمد ماهیانه خانواده دارای رابطه معنی داری است. چنانچه شبکه‌های اجتماعی را عاملی از دنیای مدرن بدانیم نتایج این مقاله با نتایج تحقیق منجزی پور همسوست.

آزادی نژاد (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در شکاف نسلی بین فرزندان و والدین در خانواده‌های تهرانی پرداخته است. فرضیه‌های دیگر این تحقیق، که با ارزیابی و اندازه‌گیری شاخص‌ها و مؤلفه‌های پیش‌گفته در پی اثبات تأثیر اینترنت بر شکاف نسلی میان والدین و فرزندان در خانواده‌های تهرانی بود، رد شدند و گواه بر آن دارند که اینترنت بر ایجاد این شکاف‌ها بی‌تأثیر است. نتایج این تحقیق، که ارتباط بین استفاده از تلگرام و اینستاگرام به عنوان رسانه الکترونیکی با شکاف نسلی را تأیید می‌کند، با تحقیق انجام شده همسو نیست.

قاسمی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده (مورد مطالعه: جوانان منطقه ۱۵ تهران)» نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت اثر مثبت و فزاینده بر گرایش به ارزش‌های عقلانی و اثر کاهنده بر ارزش‌های سنتی دارد. نتایج این تحقیق نیز با تحقیق انجام شده همسو نیست.

انشاری^۱ و همکارانش (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی عادت و رفتار کاربران گوشی هوشمند در بروئی: شخصی‌سازی، جنسیت و شکاف نسلی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق، که بر روی جوانان صورت گرفت، نشان می‌دهد کاربران گوشی‌های هوشمند بیشتر دچار اختلالات اجتماعی شده و با نسل‌های پیش از خود فاصله می‌گیرند. چنانچه شکاف نسلی را نوعی اختلال اجتماعی در نظر بگیریم، این تحقیق با تحقیق انجام شده همسوست.

در زمینه پیشنهاد‌های کاربردی حاصل از پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: با توجه به ارتباط استفاده از تلگرام با ابعاد اهمیت دین، هم‌نوییی با ارزش‌های مردسالارانه، پذیرش گروه‌های مرجع سنتی، تغییر معیارهای داوری اخلاقی، سودجویی

و شهروند جهانی دانستن خود پیشنهاد می‌شود با ایجاد گروه‌های هدفمند و منطبق با ارزش‌های مشترک والدین و جوانان ارتباط بیشتری بین این دو نسل برقرار شود. در این گروه‌های تلگرامی می‌توان این ارزش‌ها را به چالش کشید و از سودجویی‌ها جلوگیری کرد. از طرفی والدین باید با آشنایی بیشتر با دنیای مجازی درک و کنترل بیشتری بر فرزندان خود داشته باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر وجود رابطه میان استفاده از تلگرام با شکاف نسلی میان جوانان و والدین، پیشنهاد می‌شود نهادهای سیاستگذار و متولی امر، با برگزاری دوره‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی والدین در قالب آموزش‌های خانواده، گام‌های مؤثر و مفیدی در راستای همسوسازی نگرش‌های والدین و فرزندان جوانشان بردارند. همچنین این آموزش‌ها می‌تواند از سوی سازمان صداوسیما، با برنامه‌ریزی در حوزه ساخت و انتشار برنامه‌های آموزشی در این زمینه، نیز پیگیری شود.

متولیان امور فرهنگی - اجتماعی و حوزه رسانه می‌توانند، با شناخت انتظارات والدین و جوانان، از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان بستری برای تعاملات موزون نسل‌ها (جوانان و والدین آن‌ها) بهره بگیرند و با بالا بردن ارزش‌های سنتی نسل گذشته نزد جوانان و بالا بردن درک والدین از نیازها و خواسته‌های نسل امروز، امکان نزدیکی هرچه بیشتر این دو نسل (جوانان و والدین آن‌ها) را از لحاظ فکری و رفتاری فراهم کنند. با توجه به اینکه امروزه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی توجه جوانان را به‌طور گسترده و عمیقی به خود جلب کرده و دنیایی تاحدودی متفاوت با دنیای والدینشان برای جوانان ایجاد کرده‌اند، پیشنهاد می‌شود مسئولان امر و متولیان امور فرهنگ و رسانه از همین بستر به‌منظور ایجاد همبستگی و انسجام نسلی استفاده کنند و به این شبکه‌های اجتماعی، به‌جای تهدید، به چشم نوعی فرصت در زمینه کاهش شکاف نسلی بنگرند.

به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که به بررسی ارتباط بین استفاده از تلگرام با شکاف نسلی جوانان و والدین در شهرهایی به‌جز تهران بپردازند. همچنین به بررسی مقایسه‌ای نقش و تأثیر سایر شبکه‌های اجتماعی بر شکاف نسلی میان جوانان و والدین بپردازند. پیشنهاد دیگر برای پژوهش‌های بعدی بررسی نقش میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی با شکاف نسلی است.

در زمینه راهبردهای پیشنهادی براساس یافته‌های پژوهش، به موارد ذیل اشاره می‌شود:

با عنایت به اینکه یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده جوانان از تلگرام با برخی مؤلفه‌های شکاف نسلی رابطه معناداری دارد، پیشنهاد می‌شود که در زمینه فرهنگی - اجتماعی در حوزه سیاستگذاری عمومی فضای مجازی، از نظر محتوای منتشرشده در

فضای مجازی باید سیاست‌های محتوایی لازم تولید و منتشر شوند. همچنین لازم است در زمینه آموزش‌های آنلاین و تفاوت‌های فرهنگی، سیاستگذاری‌های لازم محقق شوند. در زمینه تفاوت‌های زبانی و لزوم آشنایی کاربران با زبان‌های مهم دنیا نیز سیاستگذاری‌های عمومی باید در نظر گرفته شوند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش که نشان داد جوانان گرایش زیادی به استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام دارند، لزوم سیاستگذاری در زمینه امنیت سایبری، آشنایی جوانان با جرایم سایبری و هشدار دربارهٔ هرزنامه‌ها و حفظ امنیت برخط کودکان، نوجوانان و جوانان بیش‌ازپیش احساس می‌شود. با عنایت به یافته‌های پژوهش در زمینه رابطه معنادار میان استفاده از تلگرام با مؤلفه شهروند جهانی شدن توصیه می‌شود در زمینه سیاستگذاری‌های مربوط به توسعه، برای دسترسی بهتر به اینترنت، رفع یا کاهش شکاف دیجیتال و افزایش بهره‌وری و ارتقای ظرفیت اینترنت در میان کاربران، تدابیر لازم اندیشیده شود و بیشترین سیاستگذاری‌ها در زمینه استفاده از فضای مجازی باید در زمینه زیرساخت‌ها و دستیابی به استانداردهای لازم باشد. با توجه به گسترش روزافزون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، لزوم نگاه آینده‌پژوهانه در امر سیاستگذاری فرهنگی در استفاده از فضای مجازی ضروری و دارای اهمیت است. فرهنگ باید به‌عنوان یک زیرساخت اصلی و یک پس‌زمینه همیشگی در تمام عرصه‌های مختلف سیاستگذاری مورد توجه قرار گیرد و به‌جای طرد و سلب استفاده از فضای مجازی، با آموزش‌های علمی و خردمندانه برای حضور فعال، هوشمندانه و واقع‌بینانه در فضای مجازی برنامه‌ریزی شود. سیاست سلب و طرد استفاده از فضای مجازی، از بیم آسیب‌های موجود در این راه، نه تنها سازوکارهای مفیدی پیش روی ما قرار نمی‌دهد، بلکه به عقب ماندن از تغییرات، تحولات و دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های مطلوب در عصر اطلاعات و ارتباطات منجر خواهد شد. لذا، دست یافتن به شناخت صحیح و واقع‌بینانه از فضای مجازی، امکانات، ظرفیت‌ها و تبعات مثبت و منفی استفاده از آن به طراحی، تدوین و اجرای سیاستگذاری‌های فرهنگی متناسب با فضای مجازی منجر خواهد شد. افزون بر این، سیاستگذاری‌های فرهنگی در زمینه استفاده از شبکه مجازی باید بر اساس مبانی ارزشی و دینی ما برای ساخت و تقویت هویت و فرهنگی اسلامی. ایرانی باشد تا آسیب‌های فرهنگی ناشی از استفاده آسیب‌زا از فضای مجازی به حداقل برسد. از سوی دیگر، از آنجاکه هدف این سیاستگذاری فرهنگی در اصل ارتقای فرهنگ مردم در استفاده از فضای مجازی است، لذا باید سیاستگذاری فرهنگی در حوزه رسانه‌های نوین با عنایت به تحقق مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی صورت بگیرد و در تمام مراحل و روند سیاستگذاری از ابتدا تا انتها، نظارت بر حسن اجرای آن لحاظ شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاقی پژوهش:

تمام اصول اخلاقی در این مقاله رعایت شده است.

حامی مقاله:

این نتیجه هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاریب یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

تعارض منافع:

بنابراین اظهار نویسنده این مقاله تعارض منافع ندارد.



منابع و مأخذ

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳). «جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزش»، دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شیراز، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه شیراز.
- احمدزاده کرمانی، روح‌اله و طیبه قاسمی (۱۳۹۲). بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده (مورد مطالعه: جوانان منطقه ۱۵ تهران). مطالعات رسانه‌ای، شماره ۲۳: ۶۴-۵۱.
- احمدی، آرمان؛ احمایی، پویان (۱۳۹۲). «بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن، مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب، جامعه‌پژوهشی فرهنگی، شماره ۴: ۲۷-۱.
- اکبری تبار، علی‌اکبر و جعفر هزار جریبی (۱۳۹۲). **مطالعه‌ای در باب تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی و اوقات فراغت جوانان**، تهران: کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان.
- امیدوار، احمدعلی و علی‌اکبر صارمی (۱۳۸۱). اعتیاد به اینترنت (توصیف، سبب‌شناسی، پیشگیری، درمان و مقیاس‌های سنجش اختلال اعتیاد به اینترنت)، مشهد: انتشارات تمرین.
- آزادی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در ایجاد شکاف نسلی بین فرزندان و والدین خانواده‌های تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران شرق.
- بوداغی، رضا (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی تأثیر تلگرام بر شکاف نسلی در بین خانواده‌های شمال و جنوب شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
- پاستر، مارک (۱۳۷۷). **عصر دوم رسانه‌ها**، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: مؤسسه ایران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). **تأمل آسیب‌شناختی بر فرهنگ در ایران. سیاستگذاری فرهنگی در ایران امروز**. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- توکل، محمد و مریم قاضی‌نژاد (۱۳۸۵). «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، **نشریه‌نامه علوم اجتماعی**، دوره ۲۷، شماره ۲۷: ۹۵-۱۲۴.
- جوادنی، سیدعلیرضا؛ مرتضی عرفانیان، محمدرضا عابدینی و بیتا بیجاری (۱۳۹۱). «تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند»، **آموزش در علوم پزشکی**، شماره ۸: ۶۰۶-۵۹۸.
- حسن‌نژاد کاشانی، بهزاد و اکبر نصراللهی کاسمانی (۱۳۹۶). «شناسایی و طبقه‌بندی زمینه‌های سیاستگذاری عمومی فضای مجازی»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۴: ۵۳-۲۷.
- حسین‌لی، رسول (۱۳۷۹). **مبانی و اصول سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران**، مجموعه مقالات، تهران: نشر آن.

رشیدی توت، مهدیه (۱۳۹۶). عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی بین دختران و مادران در شهر یاسوج، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.
زمانیان، علی (۱۳۸۷). **تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران**، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.
صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۰). «الزامات برنامه ریزی مطلوب فرهنگی»، **برگ فرهنگ**، شماره ۹۷: ۲۳-۸۸.

عاملی، سعیدرضا و حسین حسینی (۱۳۹۱). «دوفضایی شدن آسیب ها و ناهنجاری های فضای مجازی: مطالعه تطبیقی سیاستگذاری های بین المللی»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱: ۳۰-۱.

فرامرزیانی، سعید؛ هاشمی، شهناز و فرهنگی، علی اکبر (۱۳۹۵). «نقش استفاده از شبکه های اجتماعی تلفن همراه بر ارزش های اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان و میان سالان ساکن در شهرهای پنج استان کشور)»، **پژوهش های ارتباطی**، شماره ۳: ۱۱۳-۱۳۵.

فلاح شجاعی، سارا (۱۳۹۵). بررسی جامعه شناختی تأثیرات شبکه های مجازی تلگرام و وایبر بر شکاف نسلی بین دختران ۱۶ تا ۲۰ سال با والدین خود در منطقه رباط کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، ترجمه حسن چاووشیان، جلد ۲، تهران: طرح نو.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶). **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، چاپ ۳۲، تهران: نشر نی.
مطلبی، مسعود؛ حوریه کاظمی و اردشیر امجدی (۱۳۹۶). «سیاستگذاری فرهنگی و رسانه های اجتماعی جدید در جمهوری اسلامی ایران؛ چالش ها و راهکارها»، **فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی**، شماره ۳۳: ۱۰۷-۷۹.

منجری پور، زینب (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی (مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار ساله (۲۴-۱۸) شهر دزفول در سال ۱۳۹۳)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

Anshari, Muhammad, Yabit Alas, Jainatul Halida Jaidin, (2016), Smartphone habit and behavior in Brunei: Personalization, gender, and generation gap, *Computers in Human Behavior*, 64:719-727

Clark, L. S. (2009). "Digital media and the generation gap", **Information Communication and Society**, 12 (3):388-407.

Krishen, A. S., Orié Berezan, Shaurya Agarwal & Pushkin Kachroo (2016). "The generation of